

بررسی سیستمی فقر در ایران با استفاده از الگوسازی تشریحی ساختاری

مهدی رضوی*، رسام مشرفی**، مجید کرمی***

تاریخ پذیرش
۱۴۰۱/۰۲/۰۷

تاریخ دریافت
۱۴۰۰/۰۸/۱۰

چکیده:

با توجه به این که یکی از الزامات توسعه اقتصادی در هر کشوری، کاهش فقر و افزایش رفاه اقتصادی مردم است، می‌توان دریافت که تحقق این مهم، بدون شناسایی عوامل مؤثر بر فقر و رابطه محتوایی موجود بین آن‌ها در کنار جستجوی راهکارهای مناسب، جهت کاهش آن امکان‌پذیر نخواهد بود. هدف این پژوهش، بررسی و شناخت فقر و عوامل مؤثر بر آن به همراه رابطه محتوایی بین عوامل در ایران با رویکرد سیستمی و مشخص کردن عوامل برونزا و راهبردی سیستم به عنوان ابزارهای سیاست‌گذاری در جهت راهگشایی برای افزایش کارایی تصمیمات سیاست‌گذاران اقتصادی در حوزه فقر است. از این رو، با استفاده از پژوهش‌های مرتبط، ۹ عامل مؤثر بر فقر شناسایی و سپس به تشریح هر یک پرداخته شد. در ادامه، با توجه به پیچیدگی موجود بین اثرات متقابل اجزای سیستم، با استفاده از الگوسازی تشریحی ساختاری و به‌کارگیری نرم‌افزار کانسیت استار، به سطح‌بندی اجزای تشکیل‌دهنده سیستم عوامل مؤثر بر فقر پرداخته شد. با توجه به یافته‌های پژوهش، ۴ جزء تسهیلات‌خرد، آموزش، کمک‌های بلاعوض و تأمین اجتماعی به عنوان عوامل برونزا و راهبردی مؤثر بر فقر، در نظر گرفته شدند که می‌توانند به عنوان متغیرهای سیاستی، مورد استفاده سیاست‌گذاران قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: سیستم‌های سلسله‌مراتبی، عوامل مؤثر بر فقر، الگوسازی تشریحی ساختاری.
طبقه‌بندی JEL: E24, P46, Y10.

*استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،

m-razavi@sbu.ac.ir

**استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،

r-moshrefi@sbu.ac.ir

***کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه

majidkarami6250@gmail.com

شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

پدیده فقر یک معضل اجتماعی است که در جوامع بشری از گذشته تا کنون ریشه دوانده است. از این رو، دولت‌ها بویژه دولت‌های اسلامی در جستجوی راه‌های ریشه‌کن کردن این معضل اجتماعی و یا به حداقل رساندن آن در کشور خود هستند که خود این امر مستلزم شناخت عوامل مؤثر بر فقر، جهت و نوع تأثیرگذاری آن‌ها بر روی فقر و همچنین تأثیر متقابل عوامل بر روی یکدیگر است.

در ایران برنامه‌های کاهش فقر همچون نسخه اول لایحه پیشنهادی فقرزدایی در کشور در سال ۱۳۷۵ و نسخه دوم آن در سال ۱۳۷۹، قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۳، سند کاهش فقر و هدفمند کردن یارانه‌ها در سال ۱۳۸۴، برنامه توانمندسازی زنان خودسرپرست و سرپرست خانوار و آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی به دلایل مهمی از جمله موانع ساختاری کاهش فقر و نابرابری، فقدان یا ضعف پیوند نظام‌مند بین برنامه‌ها، کم‌توجهی یا بی‌توجهی نسبت به عوامل ساختاری ایجادکننده فقر و نابرابری، تمرکز بر فقرا و نه خود مسئله فقر و ضعف رویکرد مشارکتی در نظام برنامه‌ریزی، به اجرا در نیامده و یا ناقص اجرا شده است که به همین دلیل کارآمدی لازم را نداشته است (مدنی‌فهرخی، ۱۳۹۴، صص: ۳۱-۲۹). از این رو، کماکان جامعه با این معضل اجتماعی روبرو است که در طی سال‌های گذشته، شاهد گسترش این پدیده منفی در کشور بوده‌ایم.

اهمیت غیرقابل انکار مسئله فقر را می‌توان با توجه به روایات متعدد پیامبر اسلام (ص)، ائمه اطهار (ع) و همچنین آیات قرآن کریم در مورد اهمیت زدودن فقر از جامعه، درک کرد. علاوه بر موارد ذکر شده، با توجه به این که فقر به عنوان یک معضل اجتماعی می‌تواند حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشور را تهدید کند، بر روح و روان جامعه و عملکرد مردم تأثیر بگذارد، از سیاست‌های دولت تأثیر بپذیرد و علت بسیاری از مشکلات جامعه همچون جرم، جنایت، بزهکاری و ... باشد و همچنین با توجه

به عدم بررسی فقر به صورت سیستمی در پژوهش‌های گذشته، ضرورت دارد که این مهم و عوامل مؤثر بر آن به صورت سیستمی با استفاده از الگوسازی تشریحی ساختاری^۱ مورد بررسی قرار گیرد. قابل ذکر است که فقر مورد نظر در این پژوهش، فقر نسبی است. فقر نسبی، در واقع پایین‌تر بودن درآمد فرد از متوسط درآمد جامعه است. به عبارتی دیگر می‌توان گفت ممکن است فرد توانایی لازم برای تأمین نیازهای اولیه زندگی خود را دارا باشد ولی با توجه به این که درآمد و سطح زندگی فرد از متوسط درآمد جامعه کم‌تر است در فقر نسبی به سر ببرد (فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸، ص: ۷).

هدف این مقاله، بررسی فقر در ایران به صورت سیستمی با استفاده از الگوسازی تشریحی ساختاری و نمایش یک شمای کلی از فقر و عوامل مؤثر بر آن و مشخص کردن عوامل برونزا و راهبردی سیستم به عنوان ابزارهای سیاست‌گذاری در جهت مقابله با فقر است، که می‌تواند مورد استفاده محققین دیگر جهت تدوین نقشه راه برای مقابله با فقر در ایران قرار گیرد. قابل ذکر است که در این مقاله، فرضیه‌های "تسهیلات خرد عامل برونزای سیستم است"، "نورم عامل برونزای سیستم است" و "تولید عامل درونزای سیستم است" با استفاده از الگوسازی تشریحی ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

این مقاله از چهار بخش تشکیل شده است، که در بخش اول به بیان مسئله، ضرورت تحقیق، اهداف و فرضیه‌های تحقیق در قالب مقدمه و در بخش دوم به بیان مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته شده است. در بخش سوم نیز به ارائه الگوسازی تشریحی ساختاری و در بخش چهارم به بیان نتایج و پیشنهادها پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

با توجه به این که موضوع فقر به صورت سیستمی، تاکنون کار نشده است، لذا مبانی نظری پیرامون موضوع فقر در چهارچوب سیستمی موجود نیست. از این رو، در این

بخش، به بیان مبانی نظری تعدادی از عوامل تأثیرگذار بر فقر پرداخته می‌شود. برای مشخص کردن رابطه بین تورم و فقر، با فرض این که θ خانواده‌ای از شاخص‌های جمع‌پذیر فقر است، به صورت رابطه (۱) تعریف می‌شود:

$$\theta = \int_0^z p(z, x) f(x) dx \quad (1)$$

در رابطه (۱)، x درآمد هر فرد، z خط فقر، $p(z, x)$ تابعی از درآمد و خط فقر و $f(x)$ تابع توزیع متغیر تصادفی x است. با مشتق‌گیری از رابطه (۱) نسبت به قیمت کالا و خدمات i ام، کشش فقر نسبت به قیمت کالا و خدمات i ام، در رابطه (۲) بدست می‌آید:

$$\sigma_{\theta_i} = \frac{d\theta}{dp_i} \frac{p_i}{\theta} = \frac{dx}{dx} \frac{dp_i}{dp_i} \frac{p_i}{\theta} \quad (2)$$

برای محاسبه مقدار رابطه (۲)، نیاز به محاسبه تغییرات درآمد نسبت به قیمت یعنی $\frac{dx}{dp_i}$ است. از این رو، برای محاسبه $\frac{dx}{dp_i}$ ، از تابع مخارج که بیانگر حداقل مقدار پولی است که در یک سطح معین قیمت (p) برای همه کالاها و خدمات مصرف شده، سطح مطلوبیتی مانند u ایجاد می‌کند، به صورت رابطه (۳) استفاده می‌شود:

$$e = e(u, p) \quad (3)$$

سپس، با به‌کارگیری مفهوم تغییرات جبرانی هیکس^۱، تغییر در درآمد واقعی در اثر تغییر در قیمت‌ها از p به p^* (تغییر فقط در قیمت کالا و خدمات i ام)، در رابطه (۴) به دست می‌آید:

$$CV = \Delta x = -[e(u, p^*) - e(u, p)] \quad (4)$$

قابل ذکر است که علامت منفی در رابطه (۴)، نشان‌دهنده تغییر در مطلوبیت در جهت عکس تغییر در قیمت است. حال با فرض این که تعداد m کالا و خدمات (q) وجود دارد، با به‌کارگیری بسط تیلور^۲ مرتبه اول، می‌توان رابطه (۵) را به صورت زیر

1. Hicks Compensation Variation
2. Taylor Series

نوشت:

$$\Delta x \approx -\sum_{i=1}^m (p_i^* - p_i) q_i(x) = -\sum_{i=1}^m \Delta p_i q_i(x) \quad (5)$$

در رابطه (۵)، $q_i(x)$ بیانگر تابع تقاضای جبرانی است، که با توجه به لم شفارد^۱، برابر با عبارت $q_i(x) = \frac{de(u,p)}{dp_i}$ است. در ادامه، با تقسیم رابطه (۵) بر x ، رابطه (۶) به دست می‌آید:

$$\frac{\Delta x}{x} \approx -\sum_{i=1}^m \frac{q_i(x)p_i}{x} \frac{\Delta p_i}{p_i} = -\sum_{i=1}^m \omega_i(x) \frac{\Delta p_i}{p_i} \quad (6)$$

در رابطه (۶) مقدار $\frac{q_i(x)p_i}{x}$ بیانگر سهم کالا یا خدمات i در خط بودجه با سطح درآمدی x است، که با نماد $\omega_i(x)$ نشان داده می‌شود. رابطه (۶)، نشان‌دهنده درصد تغییر واقعی در درآمد به ازای درصد تغییر در قیمت کالا یا خدمات i است. با استفاده از رابطه (۶)، می‌توان کشش درآمد واقعی نسبت به قیمت یک کالا یا خدمات را به صورت رابطه (۷) به دست آورد:

$$\frac{dx}{dp_i} \frac{p_i}{x} = -\frac{p_i q_i(x)}{x} = -\omega_i(x) \quad (7)$$

با جایگذاری رابطه (۷) در رابطه (۲)، رابطه (۸) به دست می‌آید:

$$\sigma_{\theta_i} = \frac{d\theta}{dp_i} \frac{p_i}{\theta} = \frac{d\theta}{dx} \frac{dx}{dp_i} \frac{p_i}{\theta} = -\frac{1}{\theta} \int_0^z \frac{dp}{dx} x \omega_i(x) f(x) dx \quad (8)$$

با توجه به رابطه (۸)، پُر واضح است که علامت کشش فقر نسبت به قیمت کالا و خدمات، همواره مثبت است، چرا که $\frac{dp}{dx} < 0$ است. حال، کشش فقر نسبت به قیمت تمام کالاها و خدمات یا به عبارتی شاخص قیمت‌ها، به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$\sigma_{\theta} = \sum_{i=1}^m \sigma_{\theta_i} = -\frac{1}{\theta} \int_0^z \frac{dp}{dx} x f(x) dx \quad (9)$$

در رابطه (۹)، کشش فقر نسبت به تورم دارای مقدار مثبتی است. از این رو، می‌توان دریافت که تورم سبب افزایش فقر در جامعه می‌شود (مصطفایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص: ۴۷-۴۸). به طور کلی، می‌توان گفت در صورت عدم مطابقت درآمد افراد با میزان تورم یا به عبارتی دیگر در صورتی که درصد تغییرات درآمد افراد، کم‌تر از تورم

1. Shephard's Lemma

باشد، می‌توان شاهد کاهش قدرت خرید افراد در جامعه به خصوص افراد با درآمد ثابت بود که سبب افزایش فقر نسبی در جامعه می‌شود.

در ادامه نیز با در نظر گرفتن θ به عنوان خانواده‌ای از شاخص‌های جمع‌پذیر فقر در رابطه (۱۰)، به مشخص کردن رابطه بین درآمد و فقر و رشد اقتصادی و فقر پرداخته می‌شود:

$$\theta = \int_0^z p(z, x) f(x) dx \quad (10)$$

برای شاخص فقر، از شدت فقر $(FGT(\alpha))$ ارائه شده توسط فاستر و همکاران^۱ (۱۹۴۸) استفاده می‌گردد، به گونه‌ای که $p(z, x) = \left(\frac{z-x}{z}\right)^\alpha$ در نظر گرفته می‌شود. حال، در صورتی که μ ، سطح متوسط درآمد افراد جامعه در نظر گرفته شود، کشش فقر نسبت به درآمد $(\eta_\theta = \frac{d\theta}{d\mu} \frac{\mu}{\theta})$ با در نظر گرفتن شاخص فقر $FGT(\alpha)$ و $\alpha > 0$ به صورت زیر به دست می‌آید:

$$\eta_\alpha = \frac{1}{\theta} \int_0^z x \frac{dp}{dx} f(x) dx = -\frac{\alpha[\theta_{\alpha-1} - \theta_\alpha]}{\theta_\alpha} \quad (11)$$

با توجه به این که افزایش α سبب کاهش مقدار شاخص فقر فاستر، گریر و توربک^۲ می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که در رابطه (۱۱)، کشش درآمدی فقر همواره منفی خواهد بود. همچنین اگر ضریب جینی به عنوان ابزار سنجش نابرابری در نظر گرفته شود، برای محاسبه کشش فقر نسبت به نابرابری $(\varepsilon_\theta = \lim_{\lambda \rightarrow 0} \frac{\theta(\lambda) - \theta}{\theta \lambda})$ طبق مطالعه کاکوانی^۳ (۱۹۹۳) خواهیم داشت:

$$\varepsilon_\alpha = \frac{1}{\theta} \int_0^z \frac{dp}{dx} (x - \mu) f(x) dx = \eta_\theta - \frac{\mu}{\theta} \int_0^z \frac{dp}{dx} f(x) dx = \frac{\alpha \theta_{\alpha-1} [\mu - z] + \alpha z \theta_\alpha}{z \theta_\alpha} \quad (12)$$

با توجه به این که در رابطه (۱۲) عبارت $[\mu - z]$ مثبت است، انتظار بر این است کشش فقر نسبت به نابرابری مثبت باشد. به عبارتی دیگر می‌توان گفت که افزایش نابرابری منجر به افزایش فقر می‌گردد. قابل ذکر است که در مطالعات تجربی طبق

1. Foster et al.
2. Foster- Greer- Thorbecke (FGT)
3. Kakwani

الگوهای آدامز^۱ (۲۰۰۴) و راولین و چن^۲ (۱۹۹۷)، بین فقر و رشد اقتصادی رابطه منفی برآورد گردیده است، که بیانگر این است که افزایش رشد اقتصادی سبب کاهش فقر در جامعه می‌گردد. همچنین بین فقر و نابرابری رابطه مثبت برآورد گردیده است که بیانگر این است که کاهش نابرابری سبب کاهش فقر در جامعه می‌گردد (مصطفایی و همکاران، ۱۳۹۸، صص ۴۶-۴۷).

۲-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت و ضرورت غیرقابل انکار بررسی فقر، در سال‌های اخیر مطالعات نسبتاً قابل توجهی پیرامون فقر و فقرزدایی در ایران انجام شده است. که در این قسمت مروری بر برخی از آن‌ها خواهیم داشت.

زینال (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «اثر رشد اقتصادی و نابرابری درآمدی بر فقر در ایران: رویکرد کشش فقر» با استفاده از روش تجزیه و تحلیل فسو^۳ (۲۰۰۸) به محاسبه کشش فقر نسبت به رشد و نابرابری، برای ۳۱ استان کشور ایران طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ پرداخته است. سپس به این نتایج دست یافته است که همان‌طور که انتظار می‌رفت طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۲ افزایش رشد اقتصادی باعث کاهش فقر و افزایش نابرابری منجر به تشدید فقر می‌شود. همچنین کشش درآمدی فقر کوچک‌تر از کشش نابرابری است و فقر به تغییرات نابرابری نسبت به رشد اقتصادی حساس‌تر است، بنابراین توزیع درآمد می‌تواند نقش مهم‌تری را در کاهش فقر ایفا کند (زینال، ۱۳۹۵).

حسنوند (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان «اثر حداقل دستمزد بر نابرابری درآمد و فقر در ایران» با استفاده از داده‌های سری‌زمانی طی دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۴ به بررسی این که "آیا افزایش حداقل دستمزدها موجب کاهش نابرابری درآمد و فقر می‌شود یا خیر"

1. Adams
2. Ravallion and Chen
3. Fosu

پرداخته است. برای این منظور از الگوی خودرگرسیون برداری استفاده کرده است. و از ضریب‌جینی و نرخ فقر به عنوان شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر استفاده کرده است. همچنین رشد حداقل دستمزد حقیقی و مشتق دوم آن را به عنوان متغیرهای توضیحی در نظر گرفته است. پس از انجام آزمون‌های مورد نیاز و تخمین ضرایب الگو، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رشد حداقل دستمزد سبب کاهش نابرابری درآمد و فقر در ایران شده است (حسنوند، ۱۳۹۶).

عزیزی (۱۳۹۶) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رابطه بین اشتغال، فقر و ساختار بازار کار در ایران» با استفاده از داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار برای سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴ به صورت داده‌های ترکیبی مقطعی، تابع درآمدی مینسر^۱ را برآورد کرده است. سپس به این نتایج دست یافته است که دسته شغلی مزدبگیر خصوصی، کمترین درآمدزایی را در بین دسته‌های شغلی دارد. همچنین پس از گروه غیر شاغلین، بیشترین سهم را در بین فقرا در مناطق شهری دسته شغلی مزدبگیر خصوصی و در مناطق روستایی دسته شغلی کارکن مستقل دارد. از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که متغیر نسبت شاغلین به بعد خانوار بر درآمد خانوار اثر مثبت و معنادار دارد. و از طرف دیگر در مقایسه بین خانوارهای فقیر و غیر فقیر، مشاهده می‌شود که این نسبت در خانوارهای فقیر کمتر است، و این بدان معناست که اشتغال، احتمال قرار گرفتن خانوار را در بین فقرا کاهش می‌دهد (عزیزی، ۱۳۹۶).

با توجه به مرتبط بودن پژوهش‌های ذکر شده با موضوع فقر و این که معمولاً به بررسی رابطه بین فقر با یک یا چند مورد از عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند، می‌توان دریافت که به نوعی با موضوع تحقیق پیش‌رو از جهت مشخص کردن برخی از عوامل مؤثر بر فقر، مرتبط هستند.

قابل ذکر است که در سال‌های اخیر، مطالعات نسبتاً قابل توجهی پیرامون فقر و

1. Mincer

فقرزدایی در جهان نیز به انجام رسیده است. که در این قسمت مروری بر برخی از آن‌ها خواهیم داشت.

سانتوس^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان «فقر چندبعدی در بوتان» با استفاده از داده‌های نظرسنجی استاندارد زندگی در بوتان به اندازه‌گیری فقر چندبعدی برای سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷ پرداخته است. همچنین از مخارج مصرفی در کنار شش نماگر دیگر اعم از سلامت، آموزش، دسترسی به برق، آب سالم، بهداشت و سرانه مسکن استفاده کرده است. به طوری که در نواحی روستایی از دو نماگر اضافی شامل دسترسی به جاده و زمین شخصی نیز استفاده کرده است. سپس به این نتایج دست یافته است که کاهش فقر چندبعدی و کاهش گستردگی فقر در بوتان برای سال‌های مورد بررسی روی داده است. همچنین با وجود پیشرفت قابل توجه بوتان در کاهش فقر در سال‌های مورد بررسی، چالش‌ها و مشکلات همچنان باقی است، چراکه علی‌رغم این پیشرفت‌ها، هنوز هم فقر در مناطق روستایی زیاد است (سانتوس، ۲۰۱۳).

لیتوین^۲ (۲۰۱۵) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی اثر حداقل دستمزد بر نابرابری درآمد» با استفاده از متغیرهای حداقل دستمزد، اثر سیاست حداقل دستمزد بر نابرابری در کشورهای اتحادیه اروپا را مورد بررسی قرار می‌دهد، چراکه این سیاست به افرادی که در انتهای پایین طیف درآمد هستند کمک می‌کند تا از رشد اقتصادی بهره‌مند شوند. سپس به این نتایج دست یافته است که رابطه حداقل دستمزد و نابرابری درآمد برای دستمزدهای کمتر از ۱۱.۷۷ دلار، منفی و برای حداقل دستمزدهای بالاتر از آن مثبت است (لیتوین، ۲۰۱۵).

ساری و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در تحقیقی تحت عنوان «برآورد تأثیر حداقل دستمزد بر فقر در بین گروه‌های قومی در مالزی» با استفاده از یک رویکرد روش‌شناختی دقیق

1. Santos
2. Litwin
3. Saari et al.

اثرات درآمد و هزینه بر حداقل دستمزد برای همه گروه‌های قومی، به این نتایج دست یافته‌اند که حداقل دستمزد به طور بالقوه دستمزد افراد فقیر را افزایش می‌دهد، که سبب کاهش فقر برای همه گروه‌های قومی می‌شود. آن دسته از گروه‌های قومی که تعداد کارگران رسمی آن‌ها از تعداد کارگران غیررسمی آن‌ها بیشتر است، میزان کاهش فقر در آن‌ها بیشتر است. به طور کلی در میان همه گروه‌های قومی، کاهش فقر برای هندی‌ها در مقایسه با چینی‌ها و مالزیایی‌ها بیشتر است، چراکه حدود ۲/۳ از هندی‌ها در بخش‌های رسمی کار می‌کنند. نرخ فقر برای چینی‌ها و مالزیایی‌ها به این دلیل به شدت کاهش نمی‌یابد که تعداد کارگران غیررسمی آن‌ها زیاد است. همچنین نتایج شبیه‌سازی بیانگر این است که فقط ۴۶ درصد از کارگران از حداقل دستمزد بهره‌مند خواهند شد، درحالی‌که ۵۴ درصد دیگر که به عنوان کارگران غیررسمی در نظر گرفته می‌شوند، هیچ مزیتی دریافت نمی‌کنند. نتایج تجزیه و تحلیل نیز بیانگر آن است که اثر تغییر در توزیع درآمد باعث افزایش فقر برای مالزیایی‌ها و چینی‌ها می‌شود، درحالی‌که رشد درآمد، فقر را کاهش می‌دهد (ساری و همکاران، ۲۰۱۶).

تحقیق پیش‌رو این امتیاز را نسبت به تحقیقات پیشین دارد که فقر را به صورت سیستمی و با استفاده از الگوسازی تشریحی ساختاری، در ایران مورد بررسی قرار می‌دهد، که تاکنون مسئله فقر به صورت سیستمی در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین رابطه بین عوامل مؤثر بر فقر و سطح‌بندی عوامل از لحاظ تأثیرگذاری را نیز به تصویر می‌کشد.

۳. ارائه الگوسازی تشریحی ساختاری

۳-۱. انتخاب و توصیف مجموعه عوامل مؤثر بر فقر

اولین قدم برای ارائه الگوسازی تشریحی ساختاری، شناسایی مجموعه عوامل تشکیل دهنده سیستم موردنظر است. از این رو، به انتخاب و توصیف مجموعه عوامل مؤثر بر

فقر می‌پردازیم. البته قابل ذکر است که منظور از عوامل تأثیرگذار بر فقر در این پژوهش، منحصر به عوامل ایجادکننده فقر نیست، بلکه دربرگیرنده عواملی که سبب افزایش و یا کاهش فقر می‌شوند نیز است. در الگوسازی تشریحی ساختاری اساس کار بر پایه نظرات اندیشمندان و خبرگان حوزه مورد بررسی است، اما با توجه به عدم دسترسی کامل به این افراد، با استفاده از مبانی نظری و مطالعات پیشینی که تاکنون در حوزه فقر انجام شده است، اقدام به مشخص کردن مجموعه عوامل مؤثر بر فقر می‌کنیم، به گونه‌ای که سعی شده است تا در حد وسع نویسنده، الگوی نزدیک به واقعیت ارائه شود. قابل ذکر است که با طراحی این الگو، درک بهتری از موضوع فقر، عوامل مؤثر بر آن و رابطه بین این عوامل، به صورت سیستمی حاصل خواهد شد.

تورم: بروز تورم در جامعه می‌تواند از طریق آثار مستقیم و غیرمستقیم خود، سبب افزایش حجم فقر در جامعه گردد. تورم در وهله اول، کاهش میزان قدرت خرید گروه‌های کم‌درآمد و درآمد ثابت را به همراه دارد، که در نتیجه آن باعث کاهش تقاضای چنین گروه‌هایی برای کالاهای اساسی و درنهایت تأمین انرژی غذایی کمتر و شدت یافتن فقر می‌گردد. از طرفی دیگر، تورم با ایجاد نااطمینانی در اقتصاد کشور، سبب عدم تمایل به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌شود، که درنهایت، منجر به محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی در جامعه می‌گردد. با توجه به مسائل ذکرشده، می‌توان گفت که عدم تعدیل دستمزدها نسبت به تورم، سبب کاهش قدرت خرید و افزایش فقر می‌گردد (غضنفری‌ا قدم، ۱۳۹۵، صص: ۱۱-۱۲).

تولید: رشد تولید در صورت توزیع عادلانه عواید حاصل از آن، می‌تواند عاملی در جهت افزایش رفاه و کاهش فقر در جامعه باشد، به عبارتی دیگر کاهش فقر در جامعه و مستحکم ساختن اقتصاد کشور، نیازمند در نظر گرفتن شالوده‌های اصلی اقتصاد و رشد و توسعه اقتصادی است، به گونه‌ای که عواید حاصل از آن سبب کاهش فاصله طبقاتی در جامعه گردد. به طور کلی می‌توان گفت که رشد تولید به همراه آماده‌سازی الگویی

مناسب با جامعه مورد نظر برای سهم‌بری عوامل تولید، می‌تواند بستری مناسب در جهت کاهش فقر در جامعه پدید آورد (فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸، ص: ۸۰-۷۹).

بیکاری: بیکاری، معضلی اجتماعی-اقتصادی است که سبب از دست رفتن حیثیت، کاهش تولید و پس‌انداز می‌شود و به عنوان یکی از عوامل مهم پیدایش و تشدید فقر در جامعه به‌شمار می‌رود (فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸، ص: ۴۹-۴۸)، چرا که نیروی کار، مهم‌ترین منبع درآمد برای اغلب خانوارها است. بیکاری به‌خصوص در شرایط رکود اقتصادی و نبود جایگزینی برای درآمد از دست رفته، سبب کاهش شدید درآمد خانوارهای با درآمد پایین و درگیر شدن آن‌ها با فقر می‌شود (مدنی‌قهفرخی، ۱۳۹۴، ص: ۳۳۹).

تأمین اجتماعی: در کشور ما، موضوع تأمین اجتماعی و رفاه با هدف کاهش فقر دارای اهمیت زیادی است، از این رو، در اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور تأکید خاصی بر آن شده است (رستمی، ۱۳۹۱، ص: ۲). قابل ذکر است که یکی از عملکردهای سازمان تأمین اجتماعی که می‌تواند تأثیر بسزایی در جلوگیری از گسترش فقر در جامعه داشته باشد، بیمه بیکاری است. که می‌تواند سبب تأمین افراد و جلوگیری از کاهش قدرت خرید آن‌ها در دوره بیکاری و همچنین مانع از گسترش فقر در جامعه گردد.

آموزش: منظور از آموزش، در واقع افزایش سرمایه انسانی از طریق سرمایه‌گذاری در امور آموزشی چه از طرف خانوار و چه از طرف دولت است که می‌تواند سبب بسترسازی شغلی در جامعه شود. سرمایه انسانی برگرفته از آموزش، شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها و توانایی‌هایی است که فرد برای یافتن شغل، آن‌ها را با خود به‌همراه دارد. این مهارت‌ها و توانایی‌ها می‌توانند از طریق تحصیلات دانشگاهی و یا آموزش‌های فنی به افراد انتقال یابند (غضنفری‌اقدم، ۱۳۹۵، ص: ۳۰). از این رو، آموزش سبب گسترش فرصت‌های شغلی برای فرد و همچنین افزایش درآمد وی می‌شود، که این فرآیند می‌تواند سبب افزایش رفاه و کاهش فقر در جامعه گردد.

تسهیلات خُرد: منظور از تسهیلات خُرد، تسهیل دسترسی به اعتبارات خُرد برای افراد کم‌درآمد توسط نظام بانکی است، که اگر چنین تسهیلاتی با نرخ سود پایین و یا حتی قرض‌الحسنه باشد، می‌تواند در توانمندسازی مالی افراد کم‌درآمد مؤثرتر باشد. اصلی‌ترین متقاضیان این تسهیلات، از طبقات متوسط و کم‌درآمد جامعه هستند، که معمولاً زیر خط فقر هستند. اعطای تسهیلات خُرد به متقاضیان، علاوه بر توانمندسازی آن‌ها به خصوص متقاضیان کم‌درآمد، می‌تواند بر تولید و اشتغال نیز تأثیرگذار باشد. چرا که چنین تسهیلاتی سبب افزایش تقاضا برای خرید اقساطی کالاها و یا خدمات می‌شود، که می‌تواند بهبود تولید و اشتغال در جامعه را نیز در پی داشته باشد.

سبک‌زندگی: سبک‌زندگی، همه آن چیزی است که فرد در ذهن خود می‌پروراند، به گونه‌ای که زندگی وی را از طریق تبدیل باورهای ذهنی شخص به رفتار، تحت تأثیر قرار می‌دهد. ذهن افراد فقیر و کم‌درآمد بر کسب معاش روزانه متمرکز است، از این رو، فرصت‌های طلایی تحول را نمی‌بینند و بسادگی از کنارشان عبور می‌کنند. به عبارتی دیگر، باورهای شکل‌گرفته ناشی از الگوی ذهنی آن‌ها مانع از ارائه راه‌حل جدید و خلاقیت برای رهایی از فقر می‌شود (یگانلو، ۱۳۹۲، ص: ۱۵). از این رو، یکی از عواملی که می‌تواند کاهش فقر را به دنبال داشته باشد، تغییر سبک‌زندگی و ذهنیت فقرا نسبت به خود است. این مورد را می‌توان از طریق برگزاری کلاس‌های رایگان انگیزشی در مناطق کمتر برخوردار و همچنین بکارگیری راهکارهای روانشناختی همچون القای امید و انگیزه از طریق پخش فیلم‌هایی در زمینه مثلاً رهایی از فقر یک شخص که در گذشته در فقر به سر می‌برده است و با تلاش‌ها و امید خود به انسانی موفق تبدیل شده است و یا بسیاری از موارد تأثیرگذار دیگر بر تغییر ذهنیت چنین افرادی، جامعه عمل پوشاند.

کارآفرینی: بهبود فضای کسب و کار از طریق اصلاح قوانین، مقررات و بخش‌نامه‌ها و ایجاد ثبات در موارد ذکر شده، می‌تواند ضمن سهولت در دریافت مجوزهای لازم و بهبود کسب و کارهای اینترنتی، بر کاهش فقر نسبی نیز تأثیرگذار باشد. به طور کلی، به

دلیل ضعف دیدگاه‌های کارآفرینانه دولت، از قبیل عدم سرمایه‌گذاری دولت در حوزه‌های مختلف اقتصادی به‌ویژه بنگاه‌های تولیدی، عدم تشویق و حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه توسط افراد تحصیل‌کرده، نبود حمایت مالی از ایده‌ها و تجاری‌سازی آن‌ها و عدم جذب نخبگان دانشگاهی، شاهد عقب‌ماندن کشور در زمینه کارآفرینی بوده‌ایم (عباس‌زاده و نصراله‌ی‌وسطی، ۱۳۹۷، ص: ۲۱). از این رو، انتظار می‌رود که مسئولین کشور برای ارتقای کارآفرینی و سهولت در اعطای مجوزهای لازم، علاوه بر تصویب قوانین مربوط به کارآفرینی، الزاماتی همچون اجماع نسبی نخبگان (اجرایی و فکری) در راستای حرکت به سمت جامعه کارآفرینانه، تغییر در نهادها برای گذار از اقتصاد مدیریت شده به جامعه کارآفرینانه و سیاست‌گذاری عمومی در راستای شکل‌گیری جامعه کارآفرین را به اجرا بگذارند تا از این طریق علاوه بر کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال، سبب کاهش فقر در جامعه نیز گردند (جوادی و زمانی، ۱۳۹۲، ص: ۳).

کمک‌های بلاعوض: کمک‌های بلاعوض نقدی و غیرنقدی دولت همچون پرداخت یارانه به گروه‌های کم‌درآمد جامعه و بسیاری از موارد دیگر، اهمیت فراوانی در کاهش فقر دارند. از این رو، می‌توان گفت که کمک‌های بلاعوض همچون یارانه، از اهداف اقتصادی و اجتماعی برخوردار است که حمایت از اقشار محروم، کاهش فاصله طبقاتی و افزایش رفاه عمومی از مهم‌ترین اهداف آن محسوب می‌شود. البته اثرگذاری چنین کمک‌هایی بر کاهش فقر و تحقق اهداف آن، مستلزم هدفمند بودن آن و همچنین افزایش تورم همراه اجرای آن است (حاضری‌نیری، ۱۳۸۷، ص: ۷۲-۷۱). همچنین قابل ذکر است که کمک‌های بلاعوض تا زمانی که ادامه یابد، افزایش رفاه فقرا را در پی خواهد داشت، به همین دلیل سبب صرف هزینه‌های زیادی برای دولت با نتیجه‌گیری کوتاه‌مدت خواهد بود. ولی با این حال در مواردی، چنین کمک‌های بلاعوض دولتی لازم و ضروری بوده و نمی‌توان به طور کلی از آن چشم‌پوشی کرد.

۳-۲. شناخت و معرفی یک و یا چند رابطه محتوایی میان عوامل مؤثر بر فقر

در بخش قبل، ۹ عامل مؤثر بر فقر مشخص شد، البته ارائه سیستم جامع از ماتریس عوامل مؤثر بر فقر می‌تواند اجزای بیشتری نیز داشته باشد، اما انتخاب تعداد محدودتری اجزاء، این امکان را فراهم می‌سازد که شیوه طراحی سیستم موردنظر روشن‌تر و ساده‌تر باشد. حال برای مشخص کردن درایه‌های مربوط به ماتریس مجاور، با استفاده از مطالعات پیشین و نتایج آن‌ها، اقدام به مشخص کردن رابطه بین عوامل مؤثر بر فقر می‌کنیم.

تورم: با توجه به پژوهش‌های ربیعی و همکاران (۱۳۹۵) و مهرآرا و همکاران (۱۳۹۵)، می‌توان نتیجه گرفت که جزء کمک‌های بلاعوض، مشروط بر عدم تأمین مالی آن از محل انتشار اسکناس و افزایش تولید و عرضه کل به تناسب افزایش آن، و همچنین جزء تولید می‌توانند تأثیر کاهنده بر تورم داشته باشند. از این رو، دو جزء تولید و کمک‌های بلاعوض علاوه بر فقر، بر تورم نیز تأثیرگذار هستند.

تولید: با توجه به پژوهش‌های نظری و برزگردوین (۱۳۹۳)، بهپور (۱۳۸۹)، جوادی‌پور (۱۳۸۹)، روشنی (۱۳۹۶) و مرادی (۱۳۹۰)، می‌توان نتیجه گرفت که پنج جزء تورم، بیکاری، آموزش، تسهیلات خرد و کارآفرینی علاوه بر فقر، بر تولید نیز تأثیرگذار هستند.

بیکاری: با توجه به پژوهش‌های عباسی‌نژاد و کاظمی‌زاده (۱۳۷۹)، اخباری و آماده (۱۳۹۴)، هادیان (۱۳۸۳)، طولابی‌نژاد و صادقی (۱۳۹۵) و علیزاده و همکاران (۱۳۹۵)، می‌توان نتیجه گرفت که پنج جزء تورم، تولید، آموزش، تسهیلات خرد و کارآفرینی علاوه بر فقر، بر بیکاری نیز تأثیرگذار هستند.

سبک‌زندگی: با توجه به پژوهش‌های افراسیابی و بهارلوئی (۱۳۹۹)، زندی و رضائی (۱۳۹۴)، غلامی و همکاران (۱۳۹۸) و ازکیا و رودبارکی (۱۳۹۳)، می‌توان نتیجه گرفت که چهار جزء تورم، بیکاری، آموزش و کمک‌های بلاعوض علاوه بر فقر، بر سبک‌زندگی

نیز تأثیرگذار هستند.

کارآفرینی: با توجه به پژوهش‌های محمدی‌خیاره و رستمی (۱۳۹۹)، شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۹)، کریمی و همکاران (۱۳۹۵)، عبدی و همکاران (۱۳۹۸)، عراقی و غنی‌پور (۱۳۹۶)، می‌توان نتیجه گرفت که پنج جزء تورم، تأمین اجتماعی، آموزش، تسهیلات خرد و سبک‌زندگی علاوه بر فقر، بر کارآفرینی نیز تأثیرگذار هستند.

۳-۳. ساخت ماتریس مجاور^۱ عوامل مؤثر بر فقر

در شکل (۱)، ماتریس مجاور عوامل مؤثر بر فقر ارائه شده است.

	۱- تورم	۲- تولید	۳- بیکاری	۴- تأمین اجتماعی	۵- آموزش	۶- تسهیلات خرد	۷- سبک‌زندگی	۸- کارآفرینی	۹- کمک‌های بلاعوض	۱۰- فقر
۱- تورم	0	1	1	0	0	0	1	1	0	1
۲- تولید	1	0	1	0	0	0	0	0	0	1
۳- بیکاری	0	1	0	0	0	0	1	0	0	1
۴- تأمین اجتماعی	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1
۵- آموزش	0	1	1	0	0	0	1	1	0	1
۶- تسهیلات خرد	0	1	1	0	0	0	0	1	0	1
۷- سبک‌زندگی	0	0	0	0	0	0	0	1	0	1
۸- کارآفرینی	0	1	1	0	0	0	0	0	0	1
۹- کمک‌های بلاعوض	1	0	0	0	0	0	1	0	0	1
۱۰- فقر	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0

شکل (۱). ماتریس مجاور عوامل مؤثر بر فقر، رابطه محتوایی: «تأثیر می‌گذارد بر»

منبع: یافته‌های پژوهش

در این ماتریس، پس از شناخت و معرفی رابطه تأثیری میان اجزا که با استفاده از

پژوهش‌های مربوطه در این زمینه و مبانی نظری به انجام رسید، اقدام به ترسیم ماتریس مجاور عوامل مؤثر بر فقر شده است؛ به گونه‌ای که اگر جزئی از سیستم بر جزء دیگر تأثیرگذار باشد، در درایهٔ مربوطه عدد یک و اگر جزئی از سیستم بر جزء دیگر تأثیرگذار نباشد و یا از رابطهٔ بین دو جزء سیستم اطلاعاتی در دسترس نباشد، در درایهٔ مربوطه عدد صفر قرار داده می‌شود.

۳-۴. محاسبهٔ ماتریس نهایی^۱

ماتریس نهایی (قابل حصول) با مشخص کردن روابط آشکارشده با علامت «/»، به صورت شکل (۲) حاصل می‌شود.

	۱- تورم	۲- تولید	۳- بیکاری	۴- تأمین اجتماعی	۵- آموزش	۶- تسهیلات خرد	۷- سبک زندگی	۸- کارآفرینی	۹- کمک‌های بلاعوض	۱۰- فقر
۱- تورم	1	1	1	0	0	0	1	1	0	1
۲- تولید	1	1	1	0	0	0	1	1	0	1
۳- بیکاری	1	1	1	0	0	0	1	1	0	1
۴- تأمین اجتماعی	1	1	1	1	0	0	1	1	0	1
۵- آموزش	1	1	1	0	1	0	1	1	0	1
۶- تسهیلات خرد	1	1	1	0	0	1	1	1	0	1
۷- سبک زندگی	1	1	1	0	0	0	1	1	0	1
۸- کارآفرینی	1	1	1	0	0	0	1	1	0	1
۹- کمک‌های بلاعوض	1	1	1	0	0	0	1	1	1	1
۱۰- فقر	0	0	0	0	0	0	0	0	0	1

شکل (۲) ماتریس نهایی (قابل حصول)، رابطهٔ محتوایی: «تأثیر می‌گذارد بر»

منبع: یافته‌های پژوهش

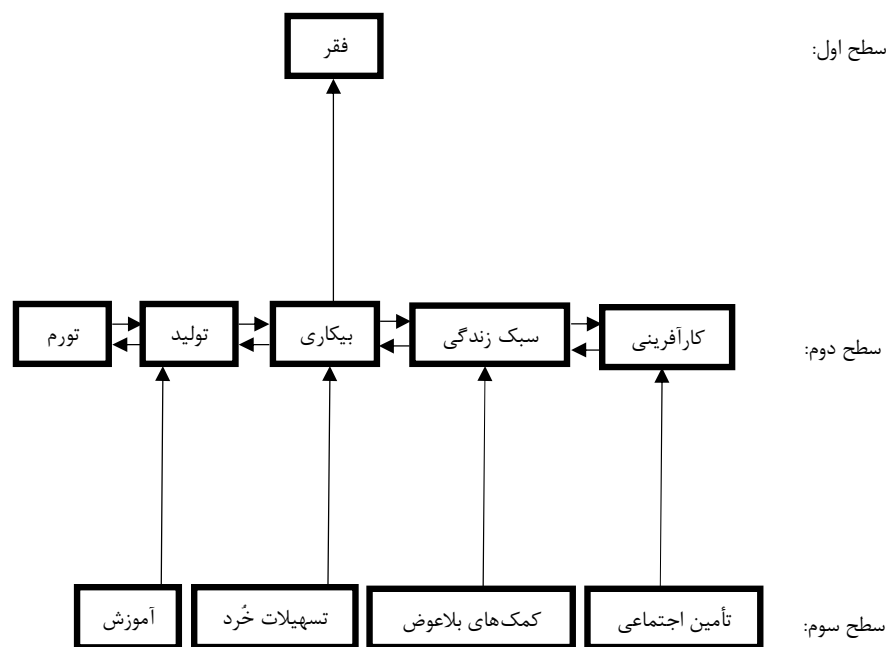
در این ماتریس با توجه به این که بسیاری از روابط موجود بین اجزا در ماتریس مجاور پنهان مانده‌اند؛ از این رو، برای آشکارسازی این روابط پنهان، اقدام به محاسبه ماتریس نهایی شده است. برای محاسبه ماتریس نهایی سیستم موردنظر، با استفاده از نظریه اولر^۱، ابتدا ماتریس مجاور را به ماتریس همانی اضافه کرده و سپس ماتریس حاصل تا جایی که دیگر درایه‌های آن تغییر نکند، به توان رسانده می‌شود.

۳-۵. ترسیم دایگراف سیستم سلسله مراتبی^۲ عوامل مؤثر بر فقر

اگرچه با محاسبه ماتریس نهایی، تمامی اطلاعات سیستم آشکار شد ولی، از طرف دیگر بر پیچیدگی سیستم موردنظر افزوده شد. از این رو برای رفع این پیچیدگی، اقدام به سطح‌بندی و به‌دست‌آوردن نمودار سیستم سلسله مراتبی عوامل مؤثر بر فقر با استفاده از نرم‌افزار کانسپت‌استار^۳ می‌کنیم. به گونه‌ای که این نمودار سلسله مراتبی، ضمن حفظ تمامی اطلاعات سیستم موردنظر، بطور چشمگیری از پیچیدگی آن می‌کاهد.

در شکل (۳) مسیر علت و معلولی از سطوح پایین به بالاست، یعنی اجزای موجود در سطح سوم بر اجزای سطح دیگر تأثیر می‌گذارد بدون این که آن سطوح بر سطح سوم مؤثر باشند.

1. Euler's Theory
2. Heirarchical System
3. Concept Star



شکل (۳) نمودار سیستم سلسله مراتبی عوامل مؤثر بر فقر، رابطه محتوایی: «تأثیر می‌گذارد بر»

منبع: یافته‌های پژوهش

۴. نتایج و پیشنهادها

شکل (۳) یعنی نمودار سیستم سلسله مراتبی عوامل مؤثر بر فقر، از ۱۰ جزء و ۳ سطح تشکیل شده است. در سطح اول، فقر از تمامی اجزای سیستم تأثیر می‌پذیرد. سیستم مورد نظر، در سطح دوم دارای سیکل است، که متشکل از ۵ جزء به هم پیوسته یعنی اجزای تورم، تولید، بیکاری، سبک زندگی و کارآفرینی است، به گونه‌ای که با تغییر یک جزء، اجزای دیگر نیز متأثر شده و تأثیر دوباره بر یکدیگر و در نهایت بر فقر خواهند گذاشت. از این رو، در مواقعی که سیاست‌گذار، خواهان اعمال سیاست خاصی با هدفی مشخص است، باید در نظر داشته باشد که متغیر سیاستی مورد نظر، چه جایگاهی در سیستم دارد و همچنین روابط متغیر مورد نظر با خود و دیگر اجزای

تشکیل‌دهنده سیستم چگونه است؟ آیا سیکل‌های موجود در سیستم، سبب تضعیف و یا تقویت سیاست اعمال‌شده می‌گردد و این که سبب دور شدن از اهداف سیاستی مورد نظر و یا تحقق یافتن آن اهداف می‌گردد؟ با در نظر گرفتن این موارد، می‌توان سیاست مورد نظر را با بیشترین سطح کارایی، اعمال کرد و یا این که حداقل، با شناسایی ایرادات سیاست مورد نظر در راه رسیدن به هدف یا اهداف مشخص‌شده، از وخیم‌شدن وضع موجود جلوگیری کرد.

سطح سوم به عنوان پایین‌ترین سطح سیستم از ۴ جزء تسهیلات خرد، آموزش، کمک‌های بلاعوض و تأمین اجتماعی تشکیل شده است، که این اجزاء به عنوان عوامل برونزا و راهبردی سیستم عوامل مؤثر بر فقر در نظر گرفته می‌شود. چرا که این ۴ جزء علت‌اند و از هیچ جزئی تأثیر نمی‌پذیرند و همچنین بیشترین تأثیر را بر عوامل دیگر سیستم در همه سطوح دارند. از این رو، اجزای سیستم در سطح سوم می‌توانند به عنوان ابزارهای سیاست‌گذاری برای برطرف کردن مسئله فقر از جامعه، در اختیار سیاست‌گذار قرار گیرند. قابل ذکر است که اگرچه ۴ پارامتر موجود در سطح سوم (پایین‌ترین سطح سیستم)، علت و علل هستند، ولی سیاست‌گذار معمولاً به این پارامترها توجهی نداشته و بیشتر، متغیرهای معلول را مورد توجه قرار می‌دهد. پس با توجه به این که معلول تابع علت است، وقتی علت در نظر گرفته نشود، هدف‌گذاری بر روی معلول بی‌معنی خواهد بود و نتیجه‌ای جز عدم تحقق کاهش فقر، اتلاف زمان و منابع در جامعه را در پی نخواهد داشت.

با توجه به شکل (۳)، می‌توان دریافت که فرضیه اول پژوهش مبنی بر "تسهیلات خرد عامل برونزای سیستم است" پذیرفته می‌شود، فرضیه دوم مبنی بر "تورم عامل برونزای سیستم است" رد می‌شود و فرضیه سوم یعنی "تولید عامل درونزای سیستم است" پذیرفته می‌شود.

به طور کلی، با توجه به آن‌چه تاکنون بیان شد و همچنین طیف زیادی از روابط بین

عوامل مؤثر بر فقر که شناسایی شد، می‌توان دریافت که بسیاری از مشکلات موجود در جامعه در مورد فقر، می‌تواند مربوط به نگرش تک‌بعدی به موضوع فقر و سیاست‌های اعمال‌شده توسط سیاست‌گذار باشد. همچنین از جمله علت‌هایی که سبب می‌شود تا سیاست اعمال‌شده توسط سیاست‌گذار، کارا عمل نکند و یا به تعویق بیفتد، این است که سیاست‌گذار، متغیری را برای سیاست‌گذاری انتخاب می‌کند که عوامل مؤثر بسیاری در سیستم وجود دارند که آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عبارتی برای متغیر درونزای سیستم، بدون توجه به عوامل تأثیرگذار بر آن، سیاست مورد نظر را اعمال می‌کند، که این نوع سیاست‌گذاری حاصل عدم نگرش سیستمی در مورد متغیر سیاستی و اهداف سیاستی آن، است. به عنوان نمونه در سیستم عوامل مؤثر بر فقر نمی‌توان تولید را به عنوان ابزار سیاست‌گذاری در نظر گرفت، چرا که تولید، خود معلول است، پس پارامتری که سیاست‌گذار باید بر روی آن متمرکز شود پارامتری است که بر روی تولید تأثیر می‌گذارد. از این رو، توصیه می‌شود تا سیاست‌گذاران با نگاه کل‌نگری به جای جزءنگری و پرهیز از سطحی‌اندیشی در مورد موضوع فقر قبل از تصمیم‌گیری در اجرای سیاست و همچنین در نظر گرفتن اجزای موجود در سطح سوم یعنی تسهیلات خرد، آموزش، کمک‌های بلاعوض و تأمین اجتماعی به عنوان متغیرهای سیاستی و راهبردی سیستم عوامل مؤثر بر فقر، سبب افزایش کارایی تصمیمات، کاهش یا به حداقل رساندن آسیب‌های ناشی از اجرای تصمیمات و تحقق اهداف سیاستی گردند.

با توجه به نتایج و تجربیات به دست آمده در این پژوهش، می‌توان به ارائه پیشنهادی زیر پرداخت:

- با توجه به سیستم سلسله مراتبی عوامل مؤثر بر فقر، پیشنهاد می‌گردد که پارامترهای تسهیلات خرد، آموزش، کمک‌های بلاعوض و تأمین اجتماعی به عنوان متغیرهای برونزا و راهبردی سیستم مورد نظر که از عوامل دیگر تأثیر نمی‌پذیرند، مورد

توجه سیاست‌گذاران به عنوان ابزارهای سیاست‌گذاری قرار گیرد.

- با توجه به این که معمولاً بیشتر بخش‌های فقیرنشین در کشور مربوط به مناطق کم‌برخوردار همچون استان کرمان، لرستان و استان‌های مرزی کشور از قبیل کردستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و بسیاری از استان‌های دیگر است، به طوری که یکی از علت‌های عمده فقر در چنین مناطقی، بیکاری است، لذا پیشنهاد می‌گردد که با ارائه تسهیلات خرد به همراه آموزش‌های فنی به عنوان پارامترهای برونزا و راهبردی سیستم در قالب ابزار سیاست‌گذاری، برای ساکنین چنین مناطقی در جهت استفاده از ظرفیت‌های تولیدی کشاورزی، دامپروری و بسیاری از موارد دیگر با در نظر گرفتن مزیت‌نسبی و همچنین تسهیل فرآیند دریافت مجوزهای لازم از سازمان‌های ذیربط، علاوه بر ایجاد اشتغال پایدار برای ساکنین که توانمندسازی آن‌ها را در پی خواهد داشت، سبب افزایش رفاه و کاهش فقر در چنین مناطقی شد. از این رو، جامعه عمل پوشاندن به این مورد در کنار دیگر عوامل، می‌تواند کاهش فقر در چنین مناطقی را به دنبال داشته باشد.

- یکی از اصلی‌ترین مزایای روش سیستمی، این است که برای بررسی یک موضوع، تمامی جوانب آن در نظر گرفته می‌شود. از این رو، با توجه به گسترش روز افزون اطلاعات، پیشنهاد می‌گردد که از روش سیستمی و رویکرد مقابله با پیچیدگی برای بررسی موضوع مورد نظر و تصمیمات، استفاده گردد. چرا که تجربیات گذشته نشان می‌دهد که اگر در اجرای تصمیمات و برنامه‌های توسعه‌ای و سیاستی، از روش سیستمی استفاده می‌شد به گونه‌ای که از تأثیر عوامل مرتبط غفلت نمی‌شد، نتایج به مراتب بهتری حاصل می‌شد و همچنین سبب جلوگیری از اتلاف زمان و منابع در جامعه می‌گردید. از این رو، پیشنهاد می‌گردد که در جهت گسترش این علم و توسعه ابزارهای آن در کشور، توجه ویژه گردد.

- با توجه به این که اساس کار در این پژوهش، بر نظرات متخصصین و صاحب‌نظران

این حوزه استوار است که در قالب مطالعات انجام شده و مبانی نظری، مورد استفاده قرار گرفته است، پس می‌توان با استفاده از نظرات متخصصین و صاحب‌نظران در این حوزه، بر اجزای این سیستم افزود و این پژوهش را گسترش داد.

- این پژوهش می‌تواند مورد استفاده محققین دیگر در جهت تدوین نقشه راه برای مقابله با فقر در ایران قرار گیرد.

منابع:

- Azizi, M. (2018). Investigation of the Relationship Between Employment, Poverty and the Structure of the Job Market in Iran. M.A Dissertation. Razi University (In Persian).
- Adams, R. (2004). Economic Growth, Inequality and Poverty: Estimating the Growth Elasticity of Poverty. *World Development*, 32(12), 1989-2014.
- Abbaszadeh, M., & Nasrallahi Vosta, L. (2018). Factors Affecting Poverty from the Perspective of Married Women with Higher Education. *Social Development Quarterly*, 13(1), 7-36 (In Persian).
- Abbasinejad, H., & Kazemizadeh, Gh.R. (2000). Study and Analysis of Philips Curve and Determination of Natural Unemployment Rate in Iran. *Economic Research Journal*, (57), 133-160 (In Persian).
- Akhbari, R., & Amadeh, H. (2015). Analysis of the Correlation Between Unemployment Rate and Economic Growth with the Shore Test Approach: Evidence from the Iranian Economy. *Economic Research Journal*, 15(59), 125-160 (In Persian).
- Alizadeh, M., Karshenasan, A., Kheirandish, M., & Mohammadi, M. (2016). Investigating the Impact of Entrepreneurship on Unemployment and Economic Growth. Second National Conference on Macroeconomics of Iran, Gonbad Kavous University (In Persian).
- Afrasiabi, H., & Baharloui, M. (2020). Consequences of Inflation in the Daily Lives of Lower Class Youth. *Applied Sociology*, 31(4), 23-44 (In Persian).
- Azkia, M., & Hosseini Rudbarki, S. (2014). Living Experience of Villagers from Receiving Cash Subsidies and its Consequences (Phenomenological Study: Ahangar Mahalleh and Gharanabad Villages of Gorgan City). *Rural Development*, 6(2), 167-192 (In Persian).
- Abdi, E., Taqdisi, A., & Tavakoli, J. (2019). Investigating the Effect of Government Microcredit on Entrepreneurship and Sustainable Rural Development in Javanrood City. *Welfare and Social Development Planning*, 10(40), 177-216 (In Persian).

-
- Behpoor, S. (2010). Impact of Unemployment Rate on Economic Growth Rate. M.A Dissertation. University of Tehran (In Persian).
 - Eshghi Iraqi, M., & Ghanipour, F. (2017). Entrepreneurial Self Efficacy and Lifestyle Strategy for Realizing Entrepreneurial Intention (Case Study: Markazi Jihad University of Applied Sciences). *Quarterly Journal of Innovation and Value Creation*, 6(11), 75-92 (In Persian).
 - Foster, J., Greer, J., & Thorbecke, E. (1984). A Class of Decomposable Poverty Measures. *Econometrica*, 52(3), 6-761.
 - Farahanifard, S. (1999), *A Look at Poverty and Poverty Alleviation from the Perspective of Islam*, Press of Contemporary Knowledge and Thought, Tehran (In Persian).
 - Ghazanfari Aghdam, K. (2016). Factors Affecting the Probability of Going out of Poverty in Iran: Using Quasi Panel Data. M.A Dissertation. University of Mazandaran (In Persian).
 - Gholami, S., Ahmadi, S., & Mohammadi, H. (2019). The Effect of Teaching Islamic Lifestyle Program on the Level of Awareness of the Components of Lifestyle and Changing the Behavioral Pattern of the Family in Female Headed Households. *Cultural Education of Women and Family*, 14(47), 7-26 (In Persian).
 - Hasanvand, Z. (2018). Determining the Effect of the Minimum Wage on Income Inequality and Poverty in Iran. M.A Dissertation. Alzahra University (In Persian).
 - Hazeri Niri, H. (2008). The Analysis of the Factors Effecting the Urban Poverty in Iran. M.A Dissertation. Shahid Beheshti University (In Persian).
 - Hadian, E. (2004). The Effect of Training of Job Seekers on the Duration of Their Unemployment Period (Case Study of Shiraz City). *Economic Research Journal*, (69), 217-238 (In Persian).
 - Javadi, Sh., & Zamani, R. (2013). Investigating and Comparing the Requirements and Laws of Entrepreneurship and Business in Iran and the United States. *Economic Studies* (In Persian).
 - Javadipour, F. (2010). The Impact of Manpower Training and Educational Investment on the Economic Growth of Communities. The First National Conference of Education and Research Managers, Mashhad (In Persian).
 - Kakwani, N. (1993). Poverty and Economic Growth with Application to Cote d'Ivoire. *Review of Income and Wealth*, 39(2), 121-139.
 - Karimi, S., Mollamerzaei, F., & Movahedi, R. (2016). The Effect of Entrepreneurship Education and its Usefulness on the Entrepreneurial Intention of Agricultural Students in Western Universities. *Agricultural Education Management Research*, (38), 51-65 (In Persian).
 - Litwin, B. (2015). Determining the Effect of the Minimum Wage on Income Inequality. Gettysburg College. No 300.
 - Madani Ghahfarkhi, S. (2015), *The Need to Combat the Phenomenon of Poverty and Inequality in Iran*, Agah Press, Tehran (In Persian).

-
- Mostafae, Sh., Khodadad Kashi, F., & Mosavi Jahromi, Y. (2019). The Impact of Industrial Development on Poverty Reduction in the Provinces of Iran. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 10(38), 45-60 (In Persian).
- Mehrara, M., Barkhordari, S., & Behzadi Sufiani, M. (2016). The Impact of Government Expenditure on Inflation in Crossing the Inflationary Environment with STR Approach. *Economic Research Journal*, 16(60), 75-105 (In Persian).
- Moradi, M.A. (2011). The Effect of Entrepreneurial Capital on Production and Growth of Iran Industrial Sector. *Economic and Modeling*, 2(5), 211-247 (In Persian).
- Mohammadi, M., & Rostami, N. (2020). The Impact of Macroeconomic Variables on Entrepreneurship: Generalized Method of Moments (GMM). *Journal of Macroeconomics*, 15(30), 34-61 (In Persian).
- Nazari, M.R., & Barzgardvin, M. (2014). Investigating the Effect of Inflation on Growth in Iran Economy. *Business Research Journal*, 19(73), 145-169 (In Persian).
- Ravallion, M., & Chen, S. (1997). What Can New Survey Data Tell Us About Recent Changes in Distribution and Poverty? *World Bank Economics Review*, 11(2), 357-382.
- Rostami, A. (2012). The Most Important Measures Taken to Fight Poverty and Hunger. *Studies of the Deputy of Social Welfare* (In Persian).
- Rabiee, M., Haghshenas, F., & Razaghi, F. (2016). Investigating the Factors Affecting the Inflation Rate in Iran with Emphasis on Borrowing from the Central Bank. Comprehensive Conference on Management and Accounting, Tehran (In Persian).
- Roshani, V. (2017). The Impact of Micro Credits on the Production and Livelihood Status of Micro Operators in Rural Areas of Kermanshah Province will be. M.A Dissertation. The Hamedan Institute of Higher Education and Development (In Persian).
- Razavi, M. (2004), *Principles of Systems Design: An Assault on Complexity*, Shahid Beheshti University Press, Tehran (In Persian).
- Santos, M.E. (2013). Tracking Poverty Reduction in Bhutan: Income Deprivation Alongside Deprivation in other Sources of Happiness. *Social Indicators Research*, 112(2), 259-290.
- Saari, Y., Affan, A.R., Azman, H., & Muzafar Shah, H. (2016). Estimating the Impact of Minimum Wages on Poverty Across Ethnic Groups in Malaysia. *Economic Modelling*, 54, 490-502.
- Shahabadi, A., Mehdipour, F., & Moradi, A. (2020). The Effect of Insurance Penetration on Entrepreneurship in Selected Countries. *Insurance Research Journal*, 35(3), 37-65 (In Persian).
- Toolabinejad, M., & Sadeghi, Kh. (2018). Investigating the Role of Microcredit in Job Creation in Rural Areas of Rashtkhar City. The Second

National Conference on the Perspective of Sustainable Rural Development in Iran, Tehran (In Persian).

- Yeganlo, A. (2013). Factors Affecting Poverty from a Behavioral Economics Perspective. M.A Dissertation. University of Tehran (In Persian).

- Zeinal, M. (2016). Impact of Economics Growth and Income Inequality on Poverty in Iran: Poverty Elasticity Approach. M.A Dissertation. Alzahra University (In Persian).

- Zandi, F., & Rezaei, M. (2015). Investigating how Unemployment Affects the Increase of Social Harms. International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences, Tehran (In Persian).

Systemic Survey of Poverty in Iran Using Interpretive Structural Modeling

Mehdi Razavi (Ph.D)*
Rassam Moshrefi (Ph.D)**
Majid Karami***

Received:
01/11/2021

Accepted:
27/04/2022

Abstract:

One of the requirements of economic development in any country, is to reduce poverty and increase the economic welfare of the people. Considering this important issue, without identifying the factors affecting poverty and the contextual relationship between them, will not be possible. The purpose of this study is to examine poverty and explore its effective factors along with the content relationship between factors in Iran with a system engineering methodology and identify the external and strategic factors of the system as policy tools to pave the way for increasing the efficiency of economic policy in the field of poverty. Therefore, using related research, 9 factors affecting poverty have been identified. Then Interpretive Structural Modeling and concept star software will be used, and a hierarchical system will be presented. according to the findings, the 4 components of micro credits, Education, grants and social security were considered as exogenous and strategic factors of the system that can be used as policy variables by policy makers.

Keywords: *Hierarchical Systems, Factors Affecting Poverty, Poverty, Interpretive Structural Modeling (ISM).*

JEL Classification: *E24, P46, Y10.*

* Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: m-razavi@sbu.ac.ir

** Assistant Professor of Economics, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: r-moshrefi@sbu.ac.ir

*** MA. in Economic Systems Planning, Faculty of Economics and Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran(Corresponding Author),
Email: majidkarami6250@gmail.com